



پیدایش و پیشرفت حسابرسی تقلب

ترجمه و تألیف: کریم اطمه‌می و حسین خواجوی

مقدمه

از زمان پیدایش حسابرسی تا به امروز، مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب تحولات و تغییرات زیادی کرده است. چیزی که هم اکنون شاهد آن هستیم افزایش مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب است. این امر ریشه در افزایش و گستردگی روزافزون تقلبات و طرح دعاوی جدی علیه حسابرسان است. در واقع حسابرسان با این شیوه و عملکرد سعی می‌کنند اعتماد خود را نزد جامعه حفظ کنند. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در این زمینه رخ داد، پیدایش نوعی از حسابرسی به نام حسابرسی تقلب است. حسابرسی تقلب در حال حاضر به‌عنوان یکی

از دروس اصلی حسابداری در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود. در این مقاله روند پیدایش حسابرسی تقلب بررسی می‌شود و سپس به بیان اصول و ویژگی‌های منحصر به فرد حسابرسی تقلب پرداخته می‌شود.

تغییر مسئولیت حسابرسان در قبال کشف تقلب

از زمان پیدایش حسابرسی تا به امروز، اهداف و شیوه‌ی اجرای حسابرسی نسبت به کشف تقلب تغییرات زیادی کرده است. این موضوع منجر به تغییر مسئولیت حسابرسان در این دوران شده است. می‌توان از این منظر حرفه حسابرسی را به پنج مرحله تقسیم کرد: (۱) قبل از ۱۹۲۰، (۲) بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰، (۳) بین

۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، (۴) بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، و (۵) از سال ۲۰۰۰ تا کنون. در ادامه در مورد هر یک از این مراحل بحث خواهد شد.

مرحله‌ی اول: قبل از ۱۹۲۰ - کشف تقلب، هدف اصلی

کشف تقلب پیش از سال ۱۹۲۰ به‌عنوان هدف اولیه و اصلی حسابرسی شناخته می‌شد. این مطلب با بررسی متون حسابرسی آن زمان کاملاً آشکار می‌شود. به طور مثال در کتاب حسابرسی لورنس آر دیکس (۱۸۹۲) عیناً این عبارت به کار رفته است: "اهداف حسابرسی عبارتند از: (۱) کشف تقلب، (۲) کشف اشتباهات فنی، و (۳) کشف اشتباهات در نتیجه‌ی به کارگیری نادرست روش‌ها".

مرحله دوم: بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ - کاهش مسئولیت حساب‌رسان در قبال تقلب

رشد اقتصادی آمریکا در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ امکان انتقال حسابرسی از انگلستان به آمریکا را فراهم ساخت. در سال‌های احیای مجدد بعد از سقوط بورس وال استریت در سال ۱۹۲۹، سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری به سرعت گسترش یافت. وجود بازارهای اوراق بهادار توسعه‌یافته و مؤسسات تضمین‌کننده‌ی اعتباری نیز این رشد را تضمین کرد. با بزرگ‌تر شدن ابعاد شرکت‌ها، جدایی مدیریت از مالکیت در این دوره سرعت یافت. بدین ترتیب حسابرسی رفته‌رفته اهمیت کم‌تری برای کشف تقلب قائل شد و اجماعی عمومی نسبت به تغییر رویکرد حسابرسی از کشف تقلب به اعتباربخشی صورت‌های مالی به‌وجود آمد.

مرحله‌ی سوم: بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ - انکار کامل مسئولیت حساب‌رسان در برابر تقلب

در پایان دهه‌ی ۱۹۶۰، حسابرسی وظیفه‌ی کشف تقلب را به‌طور کامل انکار کرد. این تغییر هدف حسابرسی به دلیل پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران جدیدی بود که دیدگاهشان نسبت به صورت‌های مالی تغییر کرده بود و به‌جای آن که صورت‌های مالی را به‌عنوان مدارکی منعکس‌کننده‌ی مباشرت مدیران نسبت به منابع و سرمایه خود به حساب آورند، آن را مستندات جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود می‌شناختند. در نتیجه، تمام توجهات بر روی منصفانه بودن صورت‌های مالی که وضعیت مالی و عملکرد شرکت را بازنمایی می‌کردند متمرکز شد. در واقع در پایان دهه‌ی ۱۹۶۰، کشف تقلب از مسئولیت‌های مفروض حسابرسان تلقی نمی‌شد و بیان می‌شد حسابرسان وظیفه‌ی جستجوی تقلب را ندارند و روش‌های حسابرسی به‌طور مشخص برای کشف تقلب قابل اتکا نیست. انکار مطلق مسئولیت حسابرسان نسبت به کشف تقلب به کمک نشریات حرفه‌ای آن زمان صریحاً مطرح می‌شد.

مرحله‌ی چهارم: بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ - افزایش نسبی مسئولیت حساب‌رسان در برابر تقلب

انکار مسئولیت کشف تقلب توسط حرفه‌ی حسابرسی، بروز تقلب‌های عمده‌ای را در سال‌های بعد از ۱۹۸۰ به دنبال داشت که حسابرسان موفق به کشف آنها نشده بودند. به‌عنوان مثال، در ایالات متحد آمریکا، که سردمدار بازار سرمایه‌ی توسعه‌یافته است، زمانی که شرکت مک‌سون اند رابینز عمداً صورت‌های مالی خود را با متورم کردن ارزش موجودی کالا و حساب‌های دریافتی خود به مبلغ ۱۹ میلیون دلار

در مقایسه با مجموع ارزش کل دارایی‌ها به مبلغ ۸۷ میلیون دلار ارائه کرده بود، رسوایی حسابداری عظیمی در آن سال‌ها به بار آمد. بعد از ۱۹۸۰ اولین انتقادهای نسبت به این تغییر هدف حسابرسی به وجود آمد. نظریه‌پردازان معتقد بودند که حسابرسان فقط به دنبال حفاظت از منافع خودشان هستند، تا این که تعهدات خود را نسبت به عموم جامعه دنبال کنند. آنان معتقد بودند در طول ۴۰۰ سال، کشف تقلب، به‌عنوان هدف حسابرسی بوده است و این تغییر هدف، به دلیل تغییر در تقاضای مشتریان مؤسسات حسابرسی نیست، بلکه حرفه فقط به دنبال کاهش مسئولیت حسابرسان است. در سایه‌ی نقدهای فراوان که بیشتر تحت تأثیر افزایش حجم و تعداد تقلبات در شرکت‌های سهامی غول‌آسا بود، روشن شد که به‌عهده نگرفتن مسئولیت کشف تقلب توسط حسابرسان دوام‌یافتنی نیست. بدین ترتیب در طرز تفکر استاندارد‌گذاران و صاحب‌نظران حسابرسی در مورد تقلب به تدریج تغییراتی به‌وجود آمد و ادبیات حرفه‌ای تعدیل شد. بدین صورت که حسابرسی انجام‌شده باید به‌گونه‌ای انجام شود که از نبود تقلب بااهمیت در صورت‌های مالی، اطمینانی معقول به‌دست دهد. گرچه همانند دهه‌های پیش از ۱۹۲۰، دیگر کشف تقلب به‌عنوان هدف اصلی حسابرسی نمی‌بود، اما این انتقادهای باعث شد که استاندارد‌گذاران حسابرسی و حسابرسان کمی کوتاه بیایند و به وجود مسئولیت‌هایی - هر چند ناقص - در مورد کشف تقلب اذعان کنند.

مرحله‌ی پنجم: بین سال‌های ۲۰۰۰ تا امروز - افزایش مجدد مسئولیت حساب‌رسان در قبال تقلب

با وجود افزایش نسبی مسئولیت حسابرسان نسبت به دوره‌های قبل، با شروع قرن ۲۱، شرایط بحرانی‌تر شد. سقوط پی‌درپی شرکت‌های بزرگ از جمله انران (۲۰۰۱)، وردکام (۲۰۰۲)، سان‌بیم (۲۰۰۳) آدلفیا (۲۰۰۵)، برادران لمن (۲۰۰۸) و ... در این سال‌ها کیفیت حسابرسی‌ها را زیر سؤال برد و بحران عدم اعتماد را برای حسابرسی به‌وجود آورد. بدین ترتیب بعد از سال ۲۰۰۰ حسابرسان با تهدید و چالش جدی مواجه شدند و نیاز بود که مجدداً مسئولیت حسابرسان نسبت به کشف تقلب تغییرات جدی کند. قانون سارینز-آکسلی (آمریکا) در ژوئیه ۲۰۰۲، گزارش رامسی (استرالیا) در مارس ۲۰۰۳، گزارش‌های هیگس و اسمیت (بریتانیا) در ژانویه ۲۰۰۳ اولین اقدامات حرفه‌ای لازم برای کاهش این انتقادهای تند و آتشین بود. اما یکی از مهم‌ترین تحولاتی که پایه‌های آن از سال‌های قبل شروع شده بود و در ابتدای این دوران رسمیت یافت؛ پیدایش نوعی از حسابرسی به نام "حسابرسی

تقلب" بود. تا پیش از این دوران، کتاب‌های مختلفی در زمینه‌ی حسابرسی تقلب تدوین شد که چندان از آن‌ها استقبال نمی‌شد. اما با دعاوی پرشماری که علیه حسابرسان مطرح شد، حسابرسی تقلب در کانون توجه استاندارد‌گذاران حسابرسی و حسابرسان قرار گرفت. به‌طور کلی از این دوران به بعد دیدگاه و عملکرد حرفه مجدداً تغییر کرد و با شدت بیشتری به سمت افزایش مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب در حرکت است. هر چند که این رویکرد به کندی پیش می‌رود و هنوز با دیدگاه قبل از سال ۱۹۲۰ که هدف اصلی حسابرسی را کشف تقلب می‌دانست فاصله داریم. اما هیچ شکی نیست که حسابرسی چنین رویکردی دارد و این امر برای حفظ اعتبار حرفه نزد جامعه الزامی است. آیا ما مجدداً شاهد افزایش یا کاهش در مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب خواهیم بود؟ آیا روزی فرا خواهد رسید که بر اثر انتقادهای تند و آتشین شدید حسابرسان مجبور شوند کشف تقلب را مجدداً به‌عنوان هدف اصلی خود قرار دهند؟

حسابرسی تقلب

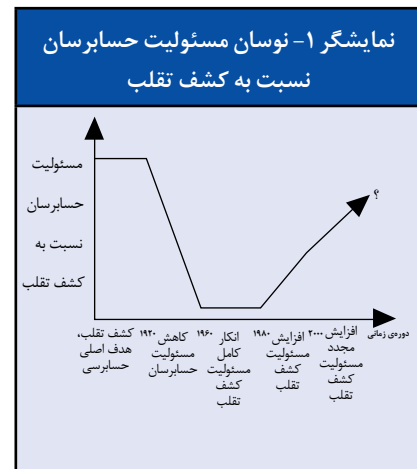
همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد از همان دهه‌های گذشته در استانداردها و کتب حسابرسی به لزوم توجه حسابرسان به احتمال وجود تقلب در ثبت و گزارشگری مالی تأکید می‌شد. هر چه زمان پیش رفت خصوصاً بعد از فروپاشی شرکت‌های بزرگ از سال ۲۰۰۱ به این سو، حسابرسی تقلب توجه ویژه‌ای را جلب کرد، به طوری که هم اکنون در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان دروس مربوط به حسابرسی تقلب تدریس می‌شود. امید است که در دانشگاه‌های کشورمان نیز چنین موضوعی در کانون توجه قرار گیرد.

حسابرسی تقلب با حسابرسی صورت‌های مالی متفاوت است. حسابرسی مالی اصولاً در پی جستجو و کشف تقلب نیست، بلکه یک گواهی و شهادتی است بر این که آیا صورت‌های مالی به طور منصفانه تهیه و ارائه شده‌اند یا خیر. اما حسابرسی تقلب، یک حسابرسی ویژه برای کشف تقلبات صورت‌های مالی است. مفروضات زیربنایی حسابرسی تقلب در ادامه آمده‌اند:

□ وقوع تقلب حتی در سامانه‌های حسابداری با کنترل‌های داخلی دقیق و سخت‌گیرانه هم امکان‌پذیر است.

□ ظاهر تقلب در یک معامله ممکن است نشان‌دهنده‌ی مبلغ بی‌اهمیتی باشد، ولی ممکن است مبلغ بااهمیتی در آن مستتر باشد.

□ اگر جستجوگری حسابرسان تقلب، به‌قدر کافی طولانی و ژرف باشد، احتمالاً می‌توان نشانه‌ای از تقلب



را بازشناخت.

□ تقلبات ممکن است مربوط به هر سطحی از مراتب کارکنان، مدیریت یا عموم باشد.

حسابرسان تقلب باید علاوه بر مهارت‌های لازم برای حسابرسی مالی، مهارت‌های ویژه دیگری نیز برای اجرای حسابرسی تقلب داشته باشند. از این جمله مهارت‌ها می‌توان به کسب شناخت از روش‌های مناسب برای گردآوری و مستندسازی شواهد زبان‌های ناشی از تقلب، مهارت پرس و جو از اشخاص ثالث، مهارت در ادای شهادت‌دهی، شناخت ماهیت تقلب از دیدگاه حقوقی، قانونی و حسابرسی، داشتن مهارت و تجربه کافی در شناخت تقلبات مربوط به حرفه‌های مختلف مثل تقلبات بانکی، تقلبات در حرفه بیمه، تقلبات در صنایع تولیدی مختلف، تقلبات در خرده‌فروشی و ... اشاره کرد.

گفتنی است که نوع دیگری از حسابرسی نیز به نام حسابداری دادگاهی یا حسابرسی قانونی وجود دارد که با حسابرسی تقلب متفاوت است. این حسابرسی از لحاظ زمانی کمی بعد از حسابرسی تقلب اجرا می‌شود. در این نوع حسابرسی، معاملات پیچیده مالی و داده‌های عددی باید به زبانی ترجمه شود که حتی اشخاص عادی آن را درک کنند. حسابرسان دادگاهی علاوه بر برخورداری از مهارت‌های تخصصی حسابداری و حسابرسی، باید مهارت‌هایی چون بازرسی کیفی، گزارش‌نویسی، ادای شهادت تخصصی، قدرت فهماندن مطلب، رفتار حرفه‌ای و ... را نیز دارا باشند.

اصول سیزده‌گانه‌ی حسابرسی تقلب

در مورد حسابرسی تقلب سیزده اصل مطرح است که به نوعی تفاوت‌های آن را با حسابرسی مالی آشکار می‌کند. این اصول در ادامه آمده‌اند:

۱. تفاوت اصلی حسابرسی تقلب با حسابرسی

صورت‌های مالی بیشتر در طرز تفکر و دیدگاه است تا روش کار.

۲. محور کار حسابرسان تقلب، تأکید بر استثنایا، موارد غیرعادی، تخلفات حسابداری، و الگوهای رفتاری است تا این‌که به اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها توجه کنند.

۳. مبنای اصلی آموزش در حسابرسی کشف تقلب، "تجربه" است نه کتاب‌ها و متون حسابرسی. آموزش در این زمینه مثل آن است که حسابرس مانند یک مجرم فکر کند که ضعیف‌ترین حلقه در سامانه‌ی کنترل داخلی صاحب‌کار چیست.

۴. از چشم‌انداز حسابرسی صورت‌های مالی، تقلب، نادرست‌نمایی عمدی رویدادهای مالی "باهمیت" است. اما از دیدگاه حسابرسی تقلب، تقلب نادرست‌نمایی و عمدی همه‌ی رویدادهای مالی حتی بی‌اهمیت است.

۵. تقلب با انگیزه‌های اقتصادی، خودبینی، ایده‌باوری، ذهنی، و روانی انجام می‌شود.

۶. نظریه‌های ساختارمند تقلب در برگرفته‌ی انگیزش، فرصت و منافع هستند.

۷. تقلب در محیط حسابداری رایانه‌ای می‌تواند در هر یک از مراحل ورودی یا درونداد، میانداد، پردازش و خروجی یا برونداد انجام شود.

۸. رایج‌ترین زمینه‌های تقلب در کارکنان رده‌ی پایین مربوط به موارد پرداخت (بدهی‌ها، حقوق و ادعاهای مربوط به هزینه‌ها و مزایا) است.

۹. رایج‌ترین زمینه‌های تقلب در سطوح مدیران رده بالا، به هموارسازی سود مربوط است.

۱۰. تقلب‌های حسابداری اغلب از نبود کنترل‌های داخلی سرچشمه می‌گیرند.

۱۱. "زبان‌های" ناشی از تقلبات با سرعت بیشتری نسبت به رشد "تعداد" تقلبات حرکت می‌کنند.

۱۲. کشف تصادفی تقلبات، فراوان‌تر از کشف تقلبات با فنون حسابرسی است.

۱۳. برای پیش‌گیری از تقلب همان‌قدر که کنترل‌های داخلی مناسب ضروری است، در عین حال نیاز به محیط کاری است که در آن به درستکاری کارکنان و اعتماد متقابل میان آن‌ها بها داده شود.

آیا کشف تقلبات "تصادفی" است یا بر مبنای "اصول علمی" است؟

مفهوم رایجی در حسابرسی وجود دارد که بیان می‌کند: "اکثریت تقلبات تصادفی کشف می‌شوند، نه با حسابرسی و طراحی سامانه‌ی حسابداری". اگر این مفهوم کاملاً درست باشد، بدین معنی است که حسابرسی تقلب

هیچ پایه‌ی علمی ندارد و بیشتر تقلبات اتفاقی کشف می‌شوند. در این صورت چه ارزشی را می‌توان برای استانداردها، روش‌ها و مبانی علمی حسابرسی تقلب قائل شد؟ حقیقت این است که در بعضی از موارد، موفقیت حسابرسان در کشف تقلب تصادفی است، اما در برخی دیگر از موارد بر پایه‌ی یک نظام شکل‌یافته و استفاده از روش‌ها و فنون تخصصی حسابرسی تقلب صورت پذیرفته است. اما بهتر است بدانید تا به حال یک روش‌شناسی جامع کشف تقلب به وجود نیامده است که مانند استانداردهای حسابرسی صورت‌های مالی، پذیرفته‌ی همگانی باشد. شاید این موضوع به دلیل تنوع و گستردگی تقلبات در سازمان و شرکت‌های گوناگون باشد. آنچه هم اکنون از حسابرسی تقلب وجود دارد، مجموعه‌ای از فنون است که ممکن است فقط در برخی موارد به‌کار روند و نمی‌توان آن‌ها را به همه‌ی موارد تعمیم داد.

همان‌گونه که بیان شد در مورد حسابرسی تقلب، روش‌شناسی که مورد پذیرش همگان باشد وجود ندارد. بلکه به‌جای فنون ساختارمند، یک گرایش ذهنی در رابطه با حسابرسی تقلب وجود دارد. در این باره چند نکته به ذهن خطور می‌کند:

□ **تقلب هم یافتنی است**، و هم تصادفاً کشف می‌شود.
□ **روش‌ها و فنون حسابرسی صورت‌های مالی**، اصطلاحاً می‌آیند و می‌روند، ولی هیچ یک از آن‌ها مشخصاً برای کشف تقلب تدوین نمی‌شوند.

□ **پی‌بردن به وجود تقلب**، بیشتر هنر است تا علم. هم تفکر ابتکاری و خلاقانه می‌خواهد، هم باریک سنجی و جامعیت علمی.

□ **برای حسابرسی تقلبات؛ سمجاعت، پی‌گیری و اعتماد به نفس مهم‌تر از بهره‌ی هوشی بالا و آشنایی صرف با اصول و استانداردهای حسابرسی است.**

نظریه‌ی حسابرسی تقلبات رایانه‌ای

از سال ۱۹۵۰ استفاده از رایانه برای کاربردهای تجاری در ایالات متحد و سایر کشورها رواج یافت اما تا ۱۹۵۸ کاری جدی در زمینه‌ی جرائم رایانه‌ای صورت نگرفته بود تا این‌که مؤسسه بین‌المللی پژوهش استاندارد به طور رسمی شروع به گردآوری استفاده‌های تقلب‌آمیز از رایانه‌ها کرد که در صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی بزرگ رخ می‌دادند.

نظریه تقلبات رایانه‌ای، ترکیبی از سه مفهوم انگیزه‌ها، فرصت‌ها، ابزارها و روش‌ها است (MOMM) که به‌صورت خلاصه آن را بیان می‌کنیم.

□ **انگیزه‌ها:** انگیزه‌هایی که ممکن است شخصی به جرم رایانه‌ای مرتکب شود، شامل:

۱. **انگیزه‌های مالی:** مقصود اصلی شخص مصمم به انجام تقلب است که اشتیاق به کسب منفعت مالی دارد.
۲. **انگیزه‌ی خودبینی:** برانگیزاننده‌ی احساس نیاز به نشان دادن هوشمندی و زیرکی خود به دیگران است.
۳. **انگیزه‌ی بینشی:** شخص متقلب دست به اقدام انتقام‌جویانه علیه کسی یا چیزی می‌زند که به نظرش عامل ستمکاری به او بوده است.
۴. **انگیزه‌ی روان‌پریشی:** از کزفهمی واقعیت، یا داشتن ترس و اضطراب از عوامل موهوم ناشی می‌شود. تعداد کمی از تقلبات صورت گرفته به این گونه انگیزه نسبت داده شده‌اند.

□ **فرصت‌ها:** فرصت‌ها ناشی از فرصت‌های دورن سازمانی و برون سازمانی است:

۱. **فرصت‌های درون سازمانی:** ترغیب‌کننده‌ی افراد به تقلبات رایانه‌ای شامل مواردی چون محیط کار، نظام تنبیه و پاداش، درجه‌ی اعتماد متقابل میان کارکنان، درجه‌ی اعتبار موازین اخلاقی، درجه اعمال قدرت برای کارکرد، کیفیت کنترل داخلی و ... است.

۲. **فرصت‌های برون سازمانی:** شامل مواردی چون رسوم و ارزش‌های اخلاقی، شرایط رقابتی در صنعت، شرایط اقتصادی کشور و جهان و ... است.

□ **روش‌ها:** روش‌هایی که ممکن است شخصی به جرم رایانه‌ای مرتکب شود، شامل:

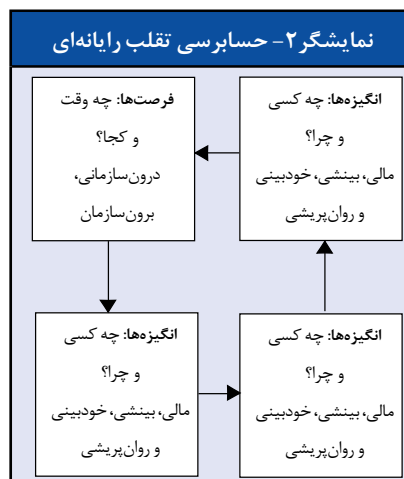
۱. **دستکاری درون داده‌ها:** یعنی داده‌های تحریف شده، ساختگی و جعلی را که بیشتر یا کم‌تر از واقع هستند وارد سامانه کنند.
۲. **دستکاری پردازشی:** برای این کار نیاز به دانش برنامه‌نویسی است. نرم‌افزارهایی چون Trojan horse، Trap door و time bomb از این نوع هستند.
۳. **دستکاری برون داده‌ها:** شامل دزدی اطلاعات و اعمال تغییراتی در آنها و بارگذاری مجدد اطلاعات در سامانه است.

□ **خصوصیات:** خصوصیات محیط رایانه‌ای بیانگر ویژگی‌هایی است که امکان تقلب را به شکل خاص در این محیط ایجاد می‌کند و عبارت‌اند از:

۱. **تمرکز داده‌ها:** سامانه‌های رایانه‌ای داده‌ها را معمولاً از همه‌ی بخش‌های سازمان در یک مرکز جمع‌آوری می‌کنند. از این‌رو شخص مجرم برای دست‌یابی یک‌جا به همه‌ی اطلاعات سازمان به چیزی جز یک رمز ورود احتیاج ندارد.
۲. **امکان دستکاری آنی:** پس از ورود غیر مجاز

یک مجرم به شبکه، سامانه فرد مجاز را از غیرمجاز نمی‌تواند بازشناسد. رایانه به محض دریافت فرمان، بی‌درنگ آن را اجرا می‌کند. از این‌رو سرعت رایانه احتمال لو رفتن مجرم را بسیار کاهش می‌دهد.

۳. **نارسایی کنترل‌های داخلی رایانه‌ای:** بسیاری از برنامه‌نویسان و تحلیل‌گران رایانه اطلاعات دقیقی از کنترل‌های داخلی حسابداری ندارند. این امر موجب می‌شود بعضی از سامانه‌های حسابداری بدون کنترل‌های کافی طراحی شوند. هم‌چنین ممکن است این سامانه‌ها در آینده تغییرات ساختاری کنند اما به لزوم تغییرات متناسب در کنترل‌های داخلی توجهی نشود.



منحصر به فرد بودن حسابرسی تقلب

هر تقلبی پیچ و خم‌هایی منحصر به خود دارد. همه‌ی دزدان یک جور فکر نمی‌کنند. آن‌ها فرصت‌طلب‌اند. هر جا که موقعیت برای دزدیدن مساعد باشد، آن‌ها بهترین راه را انتخاب می‌کنند. در دنیای واقعی، متقلبان آثاری از خود بر جای می‌گذارند که حسابرسان باید یاد بگیرند که چگونه این نرخ‌ها و نشانه‌ها را کشف کنند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که دستور و نسخه‌های پیش‌ساخته‌ی حسابرسی صورت‌های مالی در این‌جا چندان اثر بخش نیست. البته حسابرسی تقلب‌ها نیز مانند حسابرسی صورت‌های مالی دارای برنامه‌ریزی است ولی استفاده از چک‌لیست‌ها، پرسش‌نامه‌ها، مصاحبه‌ها و پرس و جوهای ساختارمند و برنامه‌های پیش‌ساخته و پیش‌هنگام حسابرسی، ممکن است در برخی از موارد حتی اثری معکوس داشته‌باشد. یک شخص حرفه‌ای که قصد تقلب دارد، به قول معروف مانند دزدی است که با چراغ می‌آید. یعنی با مطالعه‌ی چک‌لیست‌ها و

سایر برنامه‌های پیش‌ساخته‌ی حسابرس، با آن‌ها آشنا می‌شود و تلاش می‌کند در دام فنون کشف حسابرس گرفتار نشود. از این‌رو، ذهن حسابرس تقلبات، عادت می‌کند در ابتدای کار، بی‌هدف و ناآرام به این سو و آن سو برود. هر چیزی باید کنج‌کاوشی را برانگیزد. او باید درک کند که هر کار حسابرسی تقلب، یک محیط جدید است، با آدم‌های جدید و سامانه‌های جدید. این فرض که تجربه‌های گذشته برای حل مسئله کفایت می‌کند، استدلالی ظاهرفریب است. تقلبات مانند دانه‌های برف هستند که به اندازه‌ها، شکل‌ها، و فشردگی‌های متفاوت در می‌آیند و با مشاهده‌ی یکی از آن‌ها نمی‌توان وزن و اندازه‌ی دیگری را به‌دست آورد. در واقع تمام توجه باید بر مسئله‌ی حاضر متمرکز شود. مراجعه با تجربیات گذشته و پیش‌ساخته ممکن است باعث انحراف از کشف تقلب شود.

نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسان بیان می‌کنند رفتار مجرمانه، رفتاری اکتسابی است که مجرم آن را از دیگران می‌آموزد. اما حسابرسی تقلب بیشتر خودآمخته است تا آموخته از دیگران. یعنی حسابرسی تقلبات را به سختی می‌توان یاد داد بلکه حسابرس باید آن را خود یاد بگیرد. حسابرسی تقلبات کار آسانی نیست، کاری جانفرسا و آمیخته با ناکامی‌ها است. حسابرس تقلبات، خود را غرق در انبوهی از اطلاعات می‌بیند که غالباً نمی‌داند دنبال چه چیزی باید بگردد، یا حتی چرا باید در جستجوی چیزی باشد. جز این‌که می‌بیند نسبت به چیزی مظنون است. نبود یک روش‌شناسی جامع و فراگیر که مورد پذیرش عموم باشد نیز کار را دشوارتر می‌کند. به هر حال ما در مورد تقلب، و حسابرسی، کشف و گزارشگری آن، در ابتدای راه هستیم و برخوردی جامع با مسئله‌ی تقلب، مستلزم بررسی گسترده پیرامون انواع تقلب‌ها در سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف است.

منبع اصلی

Cuijpers, R. & Buijink, W. Fraudulent Financial Reporting: A Study of Determinants and Consequences, European Accounting Review, vol. 14, no. 3, pp. 487-524. 2008.

کریم اطمینی: حسابدار خبره، کارشناس ارشد حسابداری
حسین خواجوی: حسابدار خبره، کارشناس ارشد حسابداری